۱۱
راهبردهای رسیدن به «جامعه آماده»
وقتی دعوتنامه حضور در افتتاحیه جشنواره به دستم رسید، طبیعتا روی جلد کارت دعوت را خواندم که به فارسی نوشته شده بود: «شهر آماده». تا اینجای کار، موضوع برایم خیلی تازگی نداشت ولی وقتی که متن لاتین روی دعوتنامه را مشاهده کردم، متوجه شدم که از واژه یا اصطلاح Resiliency استفاده شده است و فهمیدم که موضوع می‌تواند بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از آنچه که از ترجمه به چندان مناسبش برمی‌آید، باشد...

۱۱
شهر آماده، شهروند آگاه می‌خواهد
شهر آماده‌نام جشنواره‌ای بود که با شعار «سلام تهران بادوام» همزمان با هفته ایمنی در برابر زلزله و بلایای طبیعی برگزار شد. حضور دهها سازمان و نهاد دولتی و غیردولتی فعال در حوزه خدمات اضطراری و مدیریت شهری در این جشنواره فرصتی بود تا شرکت کنندگان، استعدادها و توان اجرایی و خدمت‌رسانی خود را در زمینه اقدامات مرتبط با چرخه جامع مدیریت بحران، شامل پیشگیری، آمادگی، مقابله و بازتوانی ارایه کنند...

در صفحه ۱۲ بخوانید...
- **رفتن و برنگشتن! مسأله این است** | مزدک دانشور
- **آرزوی محال** | رضا یزدانی
- **جامعه‌ای نیازمند صداقت** | میژن آرژن
- **آقا، آقا، قند عسل! خانم، خانم، کپه خاکستر!** | نیره توکلی

جشنواره «شهر آماده» پایان یافت اما

شهر ما آماده نیست

همراه با مطالبی از:
رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور، رئیس سازمان مدیریت بحران کشور
رئیس سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، مشاور دبیرکل هلال احمر در امور بحران

عکس: سیمین اعتمادی | شهروند

مردم می‌توانند مدیر بحران باشند

کتایون جهانگیری | دانشیار پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی

رویکرد فرهنگی با مقوله پیچیده‌ای به نام بحران، بستگی زیادی به تعریف ما از فرهنگ و همین‌طور نگرش مان نسبت به این مسأله دارد. این که ما دقیقا بدانیم منظورمان از فرهنگ چیست و قرار است چه کاری در این زمینه انجام دهیم اصل کلیدی و مهم در رابطه با بحران‌هاست. واقعیت این است که در مدیریت بحران تنها فرهنگ مردم مطرح نیست و آنچه که اهمیت بیشتری دارد فرهنگ متخصصان و مسئولان کشور است. مدیریت بحران یک مثلث است که یکی از ضلع‌های اصلی آن را مردم تشکیل داده و به دو ضلع دیگر که مسئولان و متخصصان هستند کمتر پرداخته می‌شود. متاسفانه در این هرم سه ضلعی گاهی سیاست‌گذاران مشکلاتی در رابطه با بحران را درک می‌کنند و آن را به متخصصان می‌سپارند بدون آن که مردم در نظر گرفته شود.

مشکل دقیقا اینجاست که مردم به‌عنوان گروه‌های ذینفع در برخی موارد نادیده گرفته می‌شوند در حالی که باید به‌طور جدی به آنان و نیازهایشان پرداخت. این مسأله نه‌تنها در مورد مسأله بحران که در مسأله مدیریت بحران نیز دارای اهمیت است. تجربه ثابت کرده که ما در هر زمینه‌ای به مردم اطلاعات کافی بدهیم آنها مشتاقانه به سمت آن مسأله پیش می‌روند. در حال حاضر بزرگترین معضل این است که بحران جزو اولویت‌های مردم کشور ما نیست. یک نگاه تقدیرگرایانه نسبت به مسائل باعث شده تا مردم خیلی مسأله بحران را جدی نگیرند. خانواده‌های زیادی هستند که وقتی از آنها می‌پرسیم نقاط امن خانه شما کجاست و آیا آنها را شناسایی کردید یا نه؟ تنها یک پاسخ می‌دهند و آن هم این است که «هر چی خدا بخواهد همان می‌شود و این کارها فایده‌ای ندارد» دارد. درست است که همه چیز دست خداوند است اما خود خدا هم بارها گفته که از شما حرکت و از من برکت. پس اینطور نیست که با دست روی دست گذاشتن منتظر تقدیر ماند و هیچ تلاشی برای جلوگیری از بحران نداشت آن هم در حالی که دانستن چند نکته ساده می‌تواند تأثیر زیادی در کمتر شدن تلفات داشته باشد. به‌طور مثال تنها تعداد کمی از مردم هستند که می‌دانند با درختکاری در حیاط و محوطه‌ها و اطراف خانه خود می‌توانند مانع خسارت هنگام زلزله شوند. یکی از علت‌هایی که در مناطق شمالی کشورمان همین علت است که ما جنگل زدایی زیادی در آن مناطق انجام داده‌ایم. با فکر می‌کنیم چنددرصد از مردم می‌دانند که چیدمان اصولی چیست و یک چیدمان درست در خانه‌ها یک اصل اساسی برای نجات پیدا کردن از زلزله است. من خانواده‌های زیادی را می‌شناسم که در راهروهای خود گلدان‌های بزرگی می‌گذارند. این کار شاید از نظر زیباشناسی جذاب باشد اما راه فرار اضطراری را می‌بندد و خانواده‌ها این موضوع را باید بدانند. یا بسیک زندگی ما ایرانی‌ها طوری است که معمولا در خانه‌هایمان بوفه‌های بزرگ با کریستال‌های سنگین داریم یا از لوستر‌های سنگین استفاده می‌کنیم چیدمان اشتباه و استفاده از این وسایل هر کدام می‌تواند تهدید جدی در مواقع زلزله باشد. بعضا پیش آمده در زلزله‌هایی با بزرگای کم تا متوسط همین وسایل و نوع چیدمان باعث مرگ و میر شده است. اشیای سنگین باشتاب پرتاب می‌شوند و مانند گلوله عمل می‌کنند و پیش آمده که فرد نه به دلیل آوار که به علت پرتاب همین اشیا فوت کرده است. همین نکات ساده که دانستن آنها اتفاقا جذابیت زیادی دارد، می‌توانند از کودکستان به بچه‌ها آموخته شود. هلال احمر برای این موضوع شعاری در نظر گرفته با عنوان «هر خانواده یک امدادگر» و واقعا حدود ۱۰ سال گذشته تلاش کرده تا این مسأله را به‌طور جدی پیش ببرد. خیلی از ارگان‌های دولتی و شهرداری هم در این مسأله همکاری داشتند و کارهای خوبی هم انجام داده‌اند. نمونه‌اش جشنواره «شهر آماده» است که پجهها را از مدارس مختلف به برج میلاد می‌آورند و آنها را در شرایط واقعی مثل آوار و اتاق لرزان قرار می‌دهند و از آنها می‌خواهند تا رفتار درست در مواقع بحران داشته باشند و یاد می‌گیرند کجا پناه بگیرند. تمام این اقدامات عملی به شرط آن که تداوم داشته باشد و در اولویت قرار بگیرد، می‌تواند ما را به همان فرهنگ‌سازی درستی برساند که مدنظر است. در اولویت قرار گرفتن یعنی این که صداوسیما تلاش بیشتری در این زمینه انجام دهد. در بین تمام زیرنویس‌هایی که برای پخش برنامه‌های فوتبال قرار می‌دهند بد نیست بخشی را هم به زیرنویس‌های آموزشی آن هم هنگام پخش برنامه‌های پربیننده قرار دهند یا در کنار این همه تبلیغ برنج و چای تبلیغات آموزشی جذاب در این رابطه بسازند. متاسفانه هر بار یا یک زلزله همه به فکر می‌افتند و پیام‌های آموزشی سرازیر می‌شود اما بعد از مدتی همه چیز به دست فراموشی سپرده می‌شود. در صورتی که آموزش مستمر می‌تواند تاثیر گذار باشد چرا که همه چیز براساس عادت و تکرار به حافظه بلندمدت منتقل می‌شود.

> **بزرگترین معضل این است که بحران جزو اولویت‌های مردم کشور ما نیست. یک نگاه تقدیرگرایانه نسبت به مسائل باعث شده تا مردم خیلی خانواده‌های زیادی نگیرند. خانواده‌های زیادی هستند که وقتی از آنها می‌پرسیم نقاط امن خانه شما کجاست و آیا آنها را شناسایی کردید یا نه؟ تنها یک پاسخ می‌دهند و آن هم این است که «هر چی خدا بخواهد همان می‌شود و این کارها فایده‌ای ندارد.»**

حتی روزنامه‌ها هم می‌توانند کارهای زیادی برای آموزش این مفاهیم به مردم انجام دهند. در هر روزنامه ستونی برای قیمت سکه و ارز و پیش‌بینی آب و هوا وجود دارد؛ اگر هر روزنامه‌ای تنها یک ستون خود را به آموزش بحران اختصاص دهد قطعا اوضاع تغییر می‌کند. در همه جای دنیا به‌خصوص در کشورهایی که هر روز با بحران‌های زیادی در گیر هستند، تلاش می‌کنند تا از طریق همین آموزش‌ها خسارات را کم کنند چرا که دولت به‌صورت محدود می‌تواند پاسخگوی بحران‌های پیش آمده باشد. از طرفی تجربه نشان داده وقتی در مردم انگیزه ایجاد شود و حس تعلق خاطر در آنها تقویت شود می‌توانند با جان و دل هر کاری در این زمینه انجام دهند و به‌عنوان مدیران واقعی بحران وارد عمل شوند.

مردم در مواجهه با بحران باید مطالبه‌گر باشند

مهدی نجفی | عضو هیات علمی موسسه علمی کاربردی هلال ایران

تجارب گذشته در رابطه با آموزش‌های مدیریت بحران نشان می‌دهد، این آموزش‌ها آنچنان که باید در تغییر رفتار مردم موثر نبوده است. فعالیت‌های آموزشی معمولا توسط نهادهای مختلفی که در مدیریت بحران دخیل هستند، انجام می‌شود اما تا به امروز ما تحول بزرگی در رفتار مردمی که عموما مردم کوچه و بازار هستند، نمی‌بینیم.

این عدم تغییر نشان می‌دهد، مانعی بر سر راه آموزش‌ها وجود دارد که منجر به تغییر رفتار نمی‌شود. به‌نظر می‌رسد قبل از این که رفتار تغییر کند باید نگرش افراد تغییر کند و هنجارها در ذهن افراد شکل دیگری پیدا کنند تا به خود کار آمدی دست پیدا کنند. توانایی که نشان می‌دهد افراد می‌توانند بر رفتار خود کنترل داشته باشند و آنچه که نیاز است تا در مواقع بحران انجام دهند را اصولی پیش ببرند. ما باید امروزه به این موضوع واقف باشیم که تنها آگاهی دادن کافی نیست. از همان ابتدا که نگرش‌ها شکل می‌گیرد باید تلاش شود تا پایه‌های تغییر رفتار آغاز شود. این مسأله البته با کمک آموزش شدت بیشتری پیدا می‌کند تا وقتی فرد وارد اجتماع می‌شود و در رأس فعالیت‌های مدیریتی قرار می‌گیرد، می‌تواند به‌طور جدی آموخته‌های خود را در جامعه به کار ببرد. به همین دلیل فرهنگ‌سازی از این جهت اهمیت دارد و از کودکستان باید به‌طور جدی پیش گرفته شود چراکه در بحث‌های آموزشی همه نوع حوادث از حوادث انسان‌ساز تا طبیعی مورد توجه قرار می‌گیرند. اما سازمان‌های متولی در این زمینه باید به‌طور جدی این موضوع را مدنظر قرار دهند. جمعیت هلال‌احمر و به‌خصوص سازمان جوانان از طریق کانون غنچه‌های هلال سعی کردند تا به این مورد توجه کنند اما امکانات محدود جمعیت اجازه نمی‌دهد تا تمام بچه‌ها را تحت پوشش قرار دهد و نیاز است تا هرچه سریع‌تر آموزش و پرورش نیز وارد عمل شود و همین‌طور رسانه ملی که نُرد بیشتری دارد، در برنامه‌های کودک خود به پیام‌هایی در این زمینه بیشتر توجه کنند. اما تمام مواردی که تا الان درباره آن صحبت کردیم، در مورد آموزش‌هایی است که برای کودکان در نظر گرفته می‌شود.

ادامه در صفحه ۱۱

یادداشت

بحران احتمالی تهران متولی ندارد

غلامرضا جلالی
رئیس سازمان پدافند غیرعامل کشور

توجه به آماده‌سازی شهر در برابر حوادث، بسیار اساسی و مهم است. آماده‌سازی شهرها در برابر تهدیدات یا حوادث یک دغدغه جدی است که جزو شاخص‌های شهرهای پیشرفته محسوب می‌شود و معمولا همه شهرهای پیشرفته از ویژگی‌های این شاخص برخوردار هستند. وقتی صحبت از آمادگی در برابر حوادث است معمولا دو تهدید مدنظرمان است؛ تهدید در برابر عوامل طبیعی مثل سیل و زلزله که بسیار اهمیت دارد چون منشأ آنها طبیعی است. دسته دیگر عوامل غیرطبیعی است که انسان‌ساز است و بیشتر در حوزه پدافند غیرعامل است که این موضوع را ما دنبال می‌کنیم. طبیعتا یک موضوع هم‌افزایی هم بین موضوع پدافند غیرعامل یعنی تهدیدات انسان‌ساز و تهدیدات طبیعی وجود دارد که ما تلاش می‌کنیم ظرفیت‌ها و امکانات سازمان پدافند غیرعامل و همچنین سازمان پیشگیری را در جهت هم‌افزایی و کمک به مقابله با این حوادث دنبال کنیم و به‌کار بگیریم. آمادگی در برابر حوادث دو جنبه دارد؛ یک جنبه مدیریت بحرانی و یک جنبه زیرساختی. در نظام استفاده از زیرساخت‌ها و تولید زیرساخت‌ها باید دانشگاه‌ها و مراکز علمی و همچنین نظام مهندسی و شهرداری‌ها و خود مردم که از زیرساخت‌ها استفاده می‌کنند به مولفه‌های زیرساختی توجه داشته باشند و در واقع شاخص ایمنی و رعایت این دسته از مولفه‌های زیرساختی در ساختمان‌ها تلقی و ساختمان‌هایی که ایمنی لازم را ندارند نسبت به آنها توجه شود. بحث زیرساخت‌ها یک زمانی در مورد یک خانه است که منفعت شخصی دارد یا یک محله یا یک شهر. مقیاس‌های زیرساختی در اینها کاملا متفاوت است. در یک شهر بزرگ مثل تهران انتقال و اسکان جمعیت بسیار اهمیت دارد. تجربه ثابت کرده است داشتن امکانات جابه‌جا کردن جمعیت در چنین حوادثی بسیار اهمیت دارد. در حوادثی مثل طوفان کاترینا یا از ایرلند یک جمعیتی به اندازه یک‌میلیون نفر ۵۰۰ کیلومتر جابه‌جا شدند و اسکان داده شدند. لذا بنظر می‌رسد در این مورد در تهران کمتر کار شده و دستگاه‌های مربوطه باید برای اسکان و انتقال در شرایط اضطراری تدبیری بیندیشند. لازم است آموزش کافی به مردم در این مورد داده شود. حتی شما در موارد جنگی هم می‌بینید که تخلیه مناطق در گیر از جمعیت تأثیر مهمی در کاهش تلفات داشته و به‌عنوان یک مولفه مهم نقش ایفا کرده است. نکته دوم آماده بودن در مقابله با تهدیدات، پیشگیری، آموزش، سازماندهی و تجهیز و تأمین امکانات ضروری است. طبیعتا رویکرد شهرداری تهران برای مقابله با این حوادث محله محور است. سازماندهی و آموزش بسیار می‌تواند موثر باشد. رسانه ملی و سایر رسانه‌ها و مطبوعات می‌توانند به آموزش مردم برای مقابله با حوادث کمک کنند. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد، استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح است. ارتش ده کشورهای دنیا ظرفیت انجام عملیات در این شرایط و حضور در صحنه‌های حوادث و بلایا را دارند. طبیعتا سازمان پدافند غیرعامل به‌عنوان هماهنگ‌کننده در کمک به دولت در برابر حوادث طبیعی براساس یک رویکرد علمی، توجه عمده را بر کنترل حادثه گذاشته است و تلاش کرده که در زمان طلایی آماده‌ترین ظرفیتی که در کشور وجود دارد برای انجام عکس‌العمل را داشته باشد.

در حوادثی که در تبریز و شمال اتفاق افتاد این آمادگی نیروهای مسلح به نمایش گذاشته شد. ما برای این که بتوانیم از این ظرفیت استفاده کنیم هم حوزه، هم‌زمان و هم کارکردهای نیروهای مسلح را در زمینه کمک به مردم طراحی کرده‌ایم و براساس دستورالعملی که توسط رئیس ستاد کل نیروهای مسلح به نیروها ابلاغ شده، کارکرد نیروهای مسلح و نحوه ورودشان در شرایط بعد از زمان طلایی پیش‌بینی شده و در هر حوزه به دلیل ضرورت سرعت نیروهای مسلح دستور حرکت پیشاپیش داده شده و بنا بر اعلام مسئولان نیروهای مسلح موظف هستند که حرکت کنند. استفاده از دستگاه‌های تخصصی امداد و نجات زمینی، هوایی و دریایی و درمان‌های اولیه، بازگشایی معابر در تراز هوایی و دریایی از ظرفیت‌های نیروهای مسلح استفاده شده و نیروهای امدادی در حوادث اخیر بسیار موثر بوده‌اند. همین‌طور در برقراری مکان‌های اسکان موقت. اعلام می‌کنم که در همه استان‌ها این دستورالعمل در حال اجراست و هیچ مشکلی وجود ندارد. اما در شهر تهران با توجه به ساختار خاصی که دارد، مشخص نیست در نهایت چه کسی مسئول است، احساس می‌کنم هماهنگری بین سازمان مدیریت بحران و پدافند غیرعامل در شهر تهران باید تقویت شود. ما از طرف نیروهای مسلح آمادگی خودمان را برای حضور در شرایط بحرانی شهر تهران اعلام می‌کنیم و آرزو داریم که به‌زودی به آمادگی لازم برای مقابله با حوادث برسیم.